

بررسی رده‌شناختی ساخت‌های سببی در زبان فارسی

چکیده

ساخت‌های سببی در نظام ذهنی بشر و در نتیجه در نظام زبانی همه زبان‌های دنیا، نقش بسیار اساسی دارد. در این تحقیق سعی شده است، پس از بررسی انواع ساخت‌های سببی از دیدگاه رده‌شناختی، با استفاده از انگاره ساختواژه- بنیاد و همچنین انگاره پیشنهادی سونگ، روی گروه اسمی سببی ساز^۱ و سببی پذیر^۲، تأکید بیشتری شود؛ همچنین بر اساس سلسله‌مراتب جاننداری، نقشه معنایی برای گروه اسمی سببی ساز ترسیم می‌شود. علاوه بر آن، در سلسله‌مراتب حالت، جایگاه گروه اسمی سببی پذیر در ساخت‌های سببی ساختواژی بررسی می‌شود و میزان تصویرگونگی بین فاصله زبانی و فاصله مفهومی گروه اسمی سببی ساز و گروه اسمی سببی پذیر نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش نشان می‌دهد گروه اسمی سببی پذیر در ساخت‌های سببی ساختواژی در سلسله‌مراتب حالت همیشه جایگاه ثابتی ندارد و از جایگاه انعطاف‌پذیری برخوردار است. همچنین فاصله زبانی بین گروه اسمی سببی ساز و سببی پذیر در ساخت‌های سببی واژگانی معمولاً بیانگر فاصله مفهومی بین آنهاست و در نتیجه تصویرگونه است؛ با این حال در برخی ساخت‌های سببی نحوی این فاصله زبانی همواره تصویرگونه نیست.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی، ساخت‌های سببی، گروه اسمی سببی ساز، گروه اسمی سببی پذیر، سلسله‌مراتب جاننداری، تصویرگونگی.

۱. causer NP

۲. causee NP

۱- مقدمه

فرایند سببی‌سازی همواره مورد توجه محققان رشته‌های گوناگون از جمله فلسفه، روان‌شناسی، مردم‌شناسی اجتماعی و شناختی و زبان‌شناسی قرار گرفته است. در حوزه زبان‌شناسی در مورد ساخت‌های سببی^۱ مطالعات زیادی صورت گرفته است. به اعتقاد کمر و ورهگن^۲ (۱۹۹۴: ۱۶-۱۵) ساخت‌های سببی یکی از مباحثی است که در زبان‌شناسی جدید از پیشینه خیلی گسترده‌ای برخوردار است. از آنجا که ساخت‌های سببی در ذهن تمام انسان‌ها و در شکل‌دهی تجربیات آنها نقش مهمی دارد پس با رویکردی نسبی‌گرا می‌توان گفت این تجربیات در زبان‌های مختلف بازتاب پیدا کرده و به مفهومی جهانی در زبان‌های دنیا تبدیل شده است.

رده‌شناسی زبان یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی است که بر تمایلات غالب در زبان‌های مختلف تاکید دارد. از آنجا که ساخت‌های سببی در اکثر زبان‌ها وجود دارد، می‌توان آنها را از دیدگاه رده‌شناسی زبان، مورد بررسی قرار داد. در زبان فارسی نیز، ساخت‌های سببی به صورت‌های گوناگونی وجود دارد که در چارچوب‌های نظری مختلفی نیز مورد بررسی قرار گرفته، اما از دیدگاه رده‌شناسی، مطالعات قابل توجهی صورت نگرفته است.

در بخش دوم این تحقیق، پیشینه مطالعات انجام شده در زمینه ساخت‌های سببی در زبان فارسی و همچنین ارتباط آن با موضوع این تحقیق بررسی می‌شود. در بخش سوم، چارچوب نظری تحقیق بیان می‌شود که در برگزیده رویداد سببی و مشارکین در این رویداد است. ساخت سببی زبان فارسی با رویکرد ساختواژه‌بنیاد در بخش چهارم بحث خواهد شد و در بخش پنجم، ساخت سببی زبان فارسی بر اساس انگاره سونگ بررسی خواهد شد. بخش چهارم و پنجم بیشتر بر رویداد سببی تمرکز دارد، اما در بخش ششم ملاحظات نحوی و معنایی مشارکین در رویداد سببی، یعنی سببی‌ساز و سببی‌پذیر بررسی خواهد شد. در بخش، هم خلاصه و نتیجه‌گیری مطالب بیان شده است.

۱. Causative constructions
۲. Kemmer & Verhagen

۲-پیشینه تحقیق

در حوزه زبان شناسی، مطالعات مختلفی در مورد ساخت‌های سببی زبان فارسی صورت گرفته است. دست‌نویسان سنتی مانند شریعت (۱۳۶۴)، انوری و گیوی (۱۳۷۳) بر ساخت‌های سببی ساختوازی تأکید بیشتری داشته‌اند. دبیر مقدم (۱۳۶۷)، منصور (۱۳۸۴) و آهنگر (۱۳۸۷) نیز ساخت‌های سببی را بیشتر از نظر ملاحظات نحوی، مورد بررسی قرار داده‌اند.

آهنگر (۱۳۸۷) به تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی سببی پرداخته است. تحلیل پوسته‌ای این دسته از افعال برپایه برنامه کمینه گرا نشان می‌دهد اشتقاق این گونه ساخت‌های نحوی، ضمن تبعیت از فرضیه اعطای نقش معنایی یکسان^۱، تحت تاثیر دیگر اصول و عملیات نحوی مطرح در برنامه کمینه‌گرا از قبیل گزینش^۲، ادغام^۳، اصل هسته^۴ و اصل ترکیب دوتایی^۵ نیز قرار دارد و این ساخت‌های نحوی می‌تواند به عنوان فرافکنی‌های دو جزئی^۶ متشکل از گروه فعلی هسته‌ای درونی و گروه فعلی پوسته‌ای بیرونی توجیه و بر اساس مبانی کمینه‌گرایی مشتق شوند.

منصوری (۱۳۸۴) نیز ساخت‌های سببی را بر اساس طرح پوسته فعلی بررسی کرده است. داده‌های مقاله وی نشان می‌دهد گروه فعل سببی از دو فرافکن فعلی فعل سبک و فعل واژگانی تشکیل شده است. فعل سبکی، که به عنوان هسته پوسته فعلی بالایی قرار می‌گیرد، به دو صورت بدون نمود آوایی و با نمود آوایی به صورت «کردن» و یا «ان» در ساخت سببی فارسی تظاهر می‌یابد. وی همچنین استدلال می‌کند نظریه‌های صرفاً نحوی که ملاحظات معنایی را نادیده می‌انگارند، نمی‌توانند به نحوی مطلوب به تحلیل ساخت‌های زبان از جمله ساخت‌های سببی پردازند.

۱. Uniform Theta Assignment Hypothesis

۲. Selection

۳. Merge(r)

۴. Head principle

۵. Binary orinciple

۶. Split projections

گلفام و بهرامی خورشید(۱۳۸۶) نیز با استفاده از رویکرد شناختی دیوید لی^۱ (۲۰۰۱) مفهوم سببی در زبان فارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ به اعتقاد آنها - همان طور که دیوید لی ادعا می‌کند - فرآیند سببی وابسته به فرآیند انطباق در زبان است و نکته دیگر این است که اصولاً تحلیل زبان شناسان شناختی در بررسی ساخت‌های سببی مکمل تبیین صورت‌گرایان است و نیز درک و تحلیل سببی‌ها حاصل عوامل معنایی و شناختی است.

در حوزه رده شناسی مطالعات گسترده‌ای در زمینه سببی‌ها صورت نگرفته است. از مطالعات معدودی که انجام شده لطفی (۲۰۰۸) است؛ وی ساخت‌های سببی را در زبان فارسی با رویکردی رده شناسی - شناختی از دیدگاه تالمی^۲ (۲۰۰۰ و ۱۹۸۸ و ۱۹۸۵) و همچنین سونگ^۳ (۱۹۹۶) مورد بررسی قرار داده است. وی پایه‌های شناختی سببی‌های واقعی / غیرواقعی را نیز در دستور زبان فارسی بررسی کرده است. به اعتقاد لطفی این گونه مطالعات چند بعدی و مخلوطی از متغیرهای صوری، معنایی و کاربردشناختی در ذهن و شناخت انسان است و بهتر است رویکردهای نقش‌گرا برای این گونه مطالعات به کار گرفته شود.

همان‌طور که در اکثر تحقیقات پیشین نیز ذکر شده است، مطالعه ساختارهای سببی بدون در نظر گرفتن ملاحظات معنایی کامل نمی‌شود. در تحقیقات گذشته بر ملاحظات معنایی گروه اسمی سببی ساز و سببی پذیر تأکید زیادی نشده است. در این تحقیق این کمبود برطرف خواهد شد و برای نخستین بار، بر اساس سلسله مراتب جاننداری، نقشه معنایی برای گروه اسمی سببی ساز ترسیم می‌گردد. علاوه بر آن، جایگاه گروه اسمی سببی پذیر در ساخت‌های سببی ساختوازی در سلسله مراتب حالت بررسی می‌شود؛ همچنین تصویرگونگی بین فاصله زبانی و فاصله مفهومی گروه اسمی سببی ساز و سببی پذیر نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

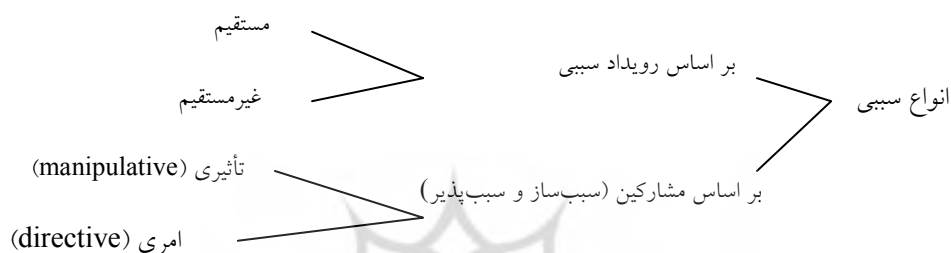
۱. David Lee

۲. Talmy

۳. Song

۳- چارچوب نظری تحقیق

شیباتانی^۱ (۲۰۰۲: ۱۷) مطالعه ساخت‌های سببی را یک زمینه ایده‌آل برای بررسی‌های بین زبانی می‌داند که به مطالعه جهانی‌های زبان و تنوعات بین زبانی منتهی می‌شود. برای مطالعه ساخت‌های سببی، دو جنبه در نظر گرفته می‌شود که سونگ (۲۰۰۱: ۲۹۶-۲۵۶) این دو جنبه را به صورت زیر خلاصه می‌کند:



در این مقاله هر دو جنبه، یعنی رویداد سببی و مشارکین در این رویداد، با استفاده از رویکرد کامری (۱۹۸۹) و همچنین سونگ (۱۹۹۶) و (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین سعی بر آن است که موقعیت گروه اسمی سببی‌پذیر نیز در سلسله مراتب حالت بررسی شود و در صورت تخطی، دلیل تخطی از این سلسله مراتب نیز تحلیل گردد؛ همچنین تا حدودی بر ویژگی‌های معنایی گروه اسمی سببی‌ساز و سببی‌پذیر نیز مطالعه‌ای انجام پذیرد.

۴- ساخت سببی در زبان فارسی با رویکرد سنتی ساختواژه- بنیاد

کامری (۱۹۸۹: ۱۶۵) هر جمله سببی را یک موقعیت کلان می‌داند که متشکل از دو موقعیت خرد است. این دو موقعیت، یکی سبب و دیگری نتیجه و تأثیر حاصل از آن است. پس می‌توان گفت هر جمله سببی برآیند وقوع سبب و تأثیر آن است. این تعریف بیشتر بر رویداد سببی تأکید دارد؛ اما - همان‌گونه که در بخش پیشین ذکر شد - علاوه بر رویداد سببی، مشارکین در این عمل (سببی‌ساز و سببی‌پذیر) نیز سهم عمده‌ای دارند که در تعریف لانگاکر

۱. Shibatani

(۱۹۹۱: ۴۰۸) بیشتر نمایان است؛ وی اصطلاح سببی را به ساختاری اطلاق می‌کند که جهت رمزگذاری انرژی یا نیرویی به کار می‌رود که سبب بروز رویدادی می‌شود. این رویدادهای سببی معمولاً در سنت رده شناسی ساختواژه- بنیاد به سه صورت ساختواژی، واژگانی و نحوی بیان می‌گردد.

۴-۱: سببی‌های ساختواژی

در این نوع ساخت سببی، که معمولاً در دستور سنتی زبان فارسی نیز تأکید بیشتری بر آن شده است، فعل سببی یک تکواژ /ân/ بیشتر از جفت غیر سببی خود دارد؛ ماندن نمونه‌های زیر:

سببی	غیر سببی
پراندن، پرانیدن	پریدن
دواندن، دوانیدن	دویدن
خوراندن، خورانیدن	خوردن
چراندن، چرانیدن	چریدن

این پسوندهای سببی ساز هم به فعل‌های لازم مانند "خوابیدن، خندیدن، رسیدن و گریستن" و هم به فعل‌های متعدی مانند "خوردن و نوشیدن" می‌پیوندد. نجالکوف و سیلنیتسکی^۱ (۱۹۷۳) بر این باوراند که زبان‌ها معمولاً پسوندهای سببی ساز را بیشتر به فعل‌های لازم می‌دهند تا متعدی یا این پسوندها را بیشتر به فعل‌های متعدی می‌دهند تا به فعل‌های دو مفعولی. بنابراین، فعل‌های متعدی از نظر ساختواژی سخت‌تر سببی می‌شوند و فعل‌های دو مفعولی نیز دیرتر از افعال یک مفعولی با این پسوندها سببی می‌شوند. در زبان فارسی نیز این موضوع مخصوصاً در مورد افعال دو مفعولی صادق است؛ به این دلیل که چون فرآیند سببی سازی از فرآیندهایی است که افزاینده ظرفیت است، بنابراین برای افزایش ظرفیت فعل‌های

۱. Nedjalkov & Silnitsky

لازم بیشتر به کار می‌رود. از آنجا که افعال متعدی و یا دو مفعولی خودشان از ظرفیت بالای برخوردارند پس سخت تر تن به فرآیند سببی ساختوازی می‌دهند.

۴-۲: سببی‌های واژگانی

سببی‌های واژگانی در سه نوع دسته بندی می‌شود:

نوع اول، سببی واژگانی یکسان که در آن فعل سببی با همتای غیرسببی آن یکسان است؛ مانند افعال شکستن، پختن، و ریختن. فرشیدورد (۱۳۸۳: ۱۱۴) این نوع فعل‌ها را با عنوان فعل‌های دوگانه بررسی کرده است که می‌تواند هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی به کار رود.

نوع دوم، سببی واژگانی غیریکسان است که در آن، بین فعل اصلی و همتای سببی آن هیچ شباهتی وجود ندارد و در حقیقت "صورت‌های مکمل" هستند؛ مثل زبان روسی که در آن برای واژه‌های مردن (غیرسببی) و کشتن (سببی) دو واژه جدای *umeret* و *ubit* وجود دارد؛ در زبان فارسی نیز برای فعل‌های غیرسببی و سببی افعالی مانند افعال زیر از واژه‌های کاملاً متفاوت استفاده می‌شود.

غیرسببی	سببی
مردن	کشتن
رفتن	بردن
افتادن	انداختن

نوع سوم، سببی واژگانی ناقص، که شامل افعال مرکب با فعل کمکی بودن و شدن است. در این نوع، افعال مرکبی که از صفت + «شدن» یا «بودن» تشکیل شده است برای سببی شدن به افعال مرکب با ساخت صفت + «کردن» تبدیل می‌شود؛ مانند:

سببی	غیر سببی
گم کردن	گم شدن
خراب کردن	خراب شدن
پژمرده کردن	پژمرده شدن
نگران کردن	نگران بودن
شرمسار کردن	شرمسار بودن

گلفام و خورشید (۲۰۰۹) این نوع سببی را تحت عنوان سببی ساختواژی مرکب بررسی کرده‌اند، اما منصور (۱۳۸۴) تحت عنوان فعل‌های سببی با ساخت ریشه‌ای نابرابر بررسی کرده و آهنگر (۱۳۸۷) آن را تحت عنوان ساخت سببی واژگانی ناقص آورده است. به اعتقاد نگارندگان نیز، چون فعل سبک یا کمکی تغییر واژگانی دارد، بهتر است آن را یکی از انواع ساخت‌های سببی واژگانی محسوب کرد.

۳-۴: سببی‌های نحوی

در ساخت سببی نحوی با کمک افعالی مانند «مجبور کردن»، «وادار کردن»، «باعث شدن»، «تشویق کردن» رویداد سببی بیان می‌شود. بر طبق دسته‌بندی منصور (۱۳۸۴) این ساخت خود به دو صورت کاربرد دارد:

الف) به صورت مستقیم؛ مانند:

۱- او مرا به خرید خانه تشویق کرد.

ب) با بند متمم فعلی؛ مانند:

۲- او مرا وادار کرد که خانه ام را بفروشم.

در این ساخت سببی می‌توان جزء واژگانی فعل را از جزء فعلی در فعل مرکب جدا کرد؛

مانند نمونه‌های زیر:

۳- احمد مسبب قتل علی شد.

۴- اسکندر عامل نابودی تخت جمشید بود.

۵- کلاسترول بالا باعث سکنه قلبی می‌شود.

با توجه به تقسیم‌بندی ساخت‌های سببی به مستقیم و غیرمستقیم (سونگ، ۲۰۰۱: ۲۷۵) چون سببی ساز به طور مستقیم بر سببی پذیر تأثیر نگذاشته، این نمونه‌ها جزء سببی‌های غیرمستقیم محسوب می‌شوند.

علاوه بر ساخت سببی نحوی فوق با افعال ذکر شده، یک ساخت سببی نحوی دیگر وجود دارد که در زبان محاوره‌ای، زیاد از آن استفاده می‌شود، اما در ساخت‌های سببی زبان فارسی این صورت تاکنون ذکر نشده است. این ساخت سببی نحوی با استفاده از فعل «دادن» ساخته می‌شود. مانند:

۶- دادم خیاط، لباسمو بدوزه.

۷- دادم خشکشویی، لباسا رو اتو کنه.

۸- علی داد رضا ماشینشو بشوره.

۹- دادم بنا خونه رو بسازه.

احتمالاً این ساختار در اثر تماس زبانی فارسی با زبان انگلیسی و یا زبان فرانسه به وجود آمده است که خود این موضوع نیازمند تحقیق بیشتری است. در زبان انگلیسی این نوع ساخت سببی نحوی معمولاً با افعال "have" و "get" ساخته می‌شود، مانند:

۱۰- I had the bricklayers build the house

همان‌طور که در زبان انگلیسی فعل دوم، فعلی تمام عیار نیست، یعنی بی‌زمان است، در زبان فارسی هم فعل دوم در این ساخت‌ها از نظر شمار با گروه اسمی سببی پذیر مطابقت دارد، اما از نظر زمان، معمولاً با زمان ثابتی (حال التزامی) کاربرد دارد.

علاوه بر سه دسته کلی فوق، گلفام و خورشید (۲۰۰۹) یک نوع ساخت سببی دیگر نیز برای ساخت‌های سببی زبان فارسی با نام «ساخت سببی کلامی»^۱ برشمرده‌اند؛ مانند ساخت‌های زیر:

۱۱- من خندیدم، او ناراحت شد.

۱. discursal causatives

۱۲- به محض اینکه خندیدم، او ناراحت شد.

۱۳- تا خندیدم، ناراحت شد.

۱۴- به خاطر خندیدن من، ناراحت شد.

مثال (۱۱) را می توان «نوع عطفی»^۱ در تقسیم‌بندی سونگ (۲۰۰۱، ۱۹۹۶) محسوب کرد که در بخش (۵) بیشتر توضیح داده خواهد شد.

۵- ساخت سببی زبان فارسی بر اساس انگاره پیشنهادی سونگ

سونگ (۱۹۹۶) با بررسی رده شناختی ساخت‌های سببی در ۶۱۳ زبان دنیا، یک انگاره رده شناختی پیشنهادی بر اساس یافته‌های تجربی از زبان‌های مختلف ارائه داده است که به اختصار توضیح داده می‌شود.^۲

انگاره پیشنهادی سونگ (۱۹۹۶) برای ساخت‌های سببی بدین شکل است که سه نوع سببی با نام‌های نوع فشرده^۳، نوع عطفی و نوع هدفدار^۴ را برای ساخت‌های سببی در نظر می‌گیرد.

۱- نوع فشرده: این نوع سببی شامل سببی‌های واژگانی و ساختوازی می‌شود که به تعبیر سونگ عامل فعلی سبب [Vcause] و عامل فعلی نتیجه [Veffect] به گونه‌ای درهم تنیده شده‌اند که هیچ عنصری بین آنها دیده نمی‌شود. این نوع سببی توسط کامری (۱۹۸۹) و سونگ (۲۰۰۱) تحت عنوان سببی مستقیم بررسی شده است. به عنوان مثال می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:^۵

۱۵. علی اومد خونه (غیر سببی)

۱۶. معلم علی رو فرستاد خونه (سببی)

۱. And-type

۲. برای اطلاعات بیشتر به لطفی (۲۰۰۸) و سونگ (۱۹۹۶) مراجعه شود.

۳. compact-type

۴. purposive-type

۵. لازم به ذکر است که برخی از مثال‌های این قسمت از لطفی (۲۰۰۸) گرفته شده است.

این نوع سببی در رویکرد سنتی ساختواژه- بنیاد در بخش سببی‌های واژگانی غیریکسان، که در صفحات پیش توضیح داده شد، بررسی می‌شود.

در نوع فشرده، سببی‌های واژگانی نیز که از «صفت + فعل کردن» ساخته می‌شود، جای می‌گیرد؛ همچنین سببی‌های ساختوازی که با اضافه شدن وند، فعل غیرسببی به سببی تبدیل می‌شود، جزء نوع فشرده محسوب می‌شود.

۲- نوع عطفی: ساخت‌های سببی نوع عطفی متشکل از دو جمله واره است. یکی از جمله واره‌ها بیانگر علت عمل و جمله واره دیگر در برگرنده نتیجه عمل است. در این نوع سببی، علامت عطف (مانند «و») به صورت آشکار یا به صورت پنهان به کار می‌رود.

در زبان فارسی این نوع سببی نیز وجود دارد. در مثال‌های (۲۰-۱۷) علامت پراتنز نشان دهنده اختیاری بودن آن قسمت است. در صورت استفاده از «و» نوع عطفی آشکار است و در صورت عدم استفاده از «و» نوع عطفی پنهان است؛ مانند:

۱۷- من غذا سفارش دادم (و) گارسون آورد.

۱۸- من فریاد کشیدم (و) علی ترسید.

۱۹- من فریاد کشیدم (و) علی از خواب پرید.

۲۰- من خندیدم (و) او ناراحت شد.

در (۱۷) سببی ساز «من» آگاهانه و عمداً سبب بروز عمل در جمله‌واره نتیجه شده است؛ اما ممکن است همیشه عمل سببی ساز ارادی نباشد؛ به طور مثال ممکن است در جمله‌های (۲۰-۱۸) عمل سببی ساز ناآگاهانه و غیرعمد باشد. نکته دیگری که سونگ (۱۹۹۶) در این باره مطرح می‌کند این است که شنونده توالی بلافاصله بین دو جمله‌واره را به صورت «به محض اینکه $S_1 \leftarrow S_2$ درک می‌کند؛ به طور مثال، برداشت شنونده از جمله (۲۰) این است که به محض اینکه خندیدم او ناراحت شد. پس می‌توان نتیجه گرفت نوع چهارم سببی که گلفام و خورشید (۲۰۰۹) تحت عنوان «سببی‌های کلامی» مطرح کرده‌اند، در رویکرد رده‌شناختی جهانی سونگ، تحت عنوان «نوع عطفی» بررسی می‌شود.

۳- نوع هدفدار: به تعبیر سونگ (۱۹۹۶:۱۴۲ و ۲۰۰۱:۲۹۴) در این نوع سببی یک موقعیت غیرواقعی وجود دارد؛ یعنی وجود آرزو و یا تمایلی را پررنگ و انجام آن آرزو و یا عمل کمرنگ جلوه داده می‌شود. معمولاً این نوع سببی در زبان‌های مختلف با ساخت‌های زمان آینده و یا نمودهای ناقص یا به صورت شرطی بیان می‌شود. در زبان فارسی نیز این نوع سببی وجود دارد که معمولاً فعل جمله‌واره نتیجه، از لحاظ زمان مطابقت ندارد.

۲۱- من گفتم آنها بروند.

۲۲- معلم فریاد کشید که دانش‌آموزان بترسند.

در این مثال‌ها فعل جمله‌واره نتیجه در وجه التزامی به کار رفته است و نتیجه عمل نیز کاملاً واضح و مشخص نیست. پس از بررسی انواع ساخت‌های سببی از لحاظ رویداد سببی، اکنون این ساخت‌ها بر اساس مشارکین در این رویدادها، یعنی سببی ساز و سببی پذیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶- ملاحظات نحوی - معنایی گروه اسمی سببی ساز و سببی پذیر

در این بخش، گروه اسمی سببی ساز از نظر سلسله مراتب جاننداری و گروه اسمی سببی پذیر از نظر سلسله مراتب حالت و همچنین تصویر گونگی در فاصله زبانی و فاصله مفهومی بین سببی ساز و سببی پذیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱: نقشه معنایی گروه اسمی سببی ساز در سلسله مراتب جاننداری

اخیراً رده‌شناسان علاوه بر جهانی‌های زبان بر دانش دستوری زبان‌های خاص نیز توجه کرده‌اند. آنها امکانات و ظرفیت‌های زبانی جهانی در مقوله‌های خاص را به عنوان «فضای مفهومی^۱» در نظر گرفته و بسته به اینکه هر زبانی چه مقدار از آن فضای مفهومی را پوشش دهد، برای زبان‌های خاص، «نقشه معنایی^۲» ترسیم می‌کنند. از مباحثی که در رده‌شناسی به صورت سلسله مراتب مطرح شده و می‌توان بر طبق آن، نقشه معنایی ترسیم کرد، سلسله

۱. mconceptual space

۲. semantic map

مراتب جاننداری است. گرفت (۱۳۰:۲۰۰۳) سلسله مراتبی برای جاننداری در نظر گرفته است. از آنجا که جاننداری معنایی را نیز لحاظ کرده است آن را "سلسله مراتب جاننداری گسترده"^۱ نامیده که به شکل زیر است:

سلسله مراتب جاننداری گسترده:

ضمیرهای شخصی اول شخص و دوم شخص < ضمیر شخصی سوم شخص < اسامی خاص < اسامی عام انسان < اسمهای عام غیرجاندار

این سلسله مراتب معمولاً سه حوزه نقشی جدا، اما مربوط به هم را در بر می‌گیرد: حوزه شخص، حوزه ارجاع و حوزه جاننداری. در این مقاله میزان استفاده سببی سازهای زبان فارسی از این سلسله مراتب از نظر جاننداری مورد نظر است. در تقسیم‌بندی انواع مختلف سببی، مخصوصاً در سببی‌های مستقیم معمولاً سببی ساز از تمام امکانات این سلسله مراتب استفاده می‌کند؛ که نمونه‌های آن در جمله‌های (۲۳ الف-و) آمده است.

۲۳- الف) من شیشه را شکستم.

ب) تو شیشه را شکستی.

ج) او شیشه را شکست.

د) علی شیشه را شکست.

ه) گربه شیشه را شکست.

و) توپ شیشه را شکست.

ساخت‌های سببی فوق، که جزء سببی‌های واژگانی هستند، از تمام امکانات جاننداری سببی ساز می‌توانند استفاده کنند؛ پس نقشه معنایی آنها در سلسله مراتب جاننداری کامل خواهد بود و همه امکانات فضای مفهومی را در بر می‌گیرد. نقشه معنایی آن بدین صورت است:

۱. extended animacy hierarchy

ضمیرهای شخصی اول شخص و دوم شخص < ضمیر شخصی سوم شخص > اسامی خاص < اسامی رایج انسان > اسمهای رایج جاندار غیرانسان < اسمهای رایج غیرجاندار

کامری (۱۹۸۹: ۱۷۱) در یک تقسیم‌بندی معنایی، ساخت‌های سببی را به «سببی‌های واقعی»^۱ و «سببی‌های اجازه‌ای»^۲ تقسیم می‌کند. در سببی‌های واقعی حتماً سببی ساز در وقوع عمل تأثیر می‌گذارد اما در سببی‌های اجازه‌ای، نیروی کمتری از طرف سببی ساز بر سببی پذیر وارد می‌شود. در سببی‌های واقعی، سببی ساز می‌تواند از تمام امکانات سلسله مراتب جاندار استفاده کند. در صورتی که سببی ساز غیرجاندار باشد، می‌تواند در جایگاه سببی ساز ظاهر شود، اما به شرط این که مشخصه [+پویایی] یا [+حرکت] جزء مولفه‌های معنایی آن باشد، یعنی ایستا نباشد؛ مانند:

۲۴- سیل باعث نابودی هزاران خانه شد.

۲۵- طوفان جنگل‌های منطقه را از ریشه کند.

۲۶- گردش زمین به دور خورشید باعث آمدن شب و روز می‌شود.

در این موارد ویژگی [+پویایی] یا [+حرکت] جزء مشخصه‌های معنایی سیل و طوفان و گردش زمین است؛ بنابراین به خوبی توانسته‌اند در جایگاه گروه اسمی سببی ساز تظاهر یابند. پس نقشه معنایی آن به شکل زیر خواهد بود:

ضمیرهای شخصی اول شخص و دوم شخص < ضمیر شخصی سوم شخص > اسامی خاص < اسامی عام انسان > اسمهای عام جاندار غیرانسان < اسمهای عام غیرجاندار

با این حال، در سببی‌های اجازه‌ای که با فعل‌هایی از قبیل «اجازه دادن»، «گذاشتن» (به معنی اجازه دادن) و «کمک کردن» ساخته می‌شود اگر عمل ارادی باشد باید حتماً سببی ساز انسان باشد؛ مانند:

۱. true causatives

۲. permissive causatives

۲۷- پدر اجازه داد که دختر به مهمانی برود. یا

۲۸- پدر گذاشت که دختر به مهمانی برود.

اما اگر عمل غیرارادی باشد، امکان اینکه سببی ساز حیوان باشد نیز وجود دارد؛ مانند:

۲۹- گربه گذاشت که موش فرار کند.

پرسشی که اکنون ممکن است مطرح شود این است که آیا در سببی‌های اجازه‌ای غیر ارادی، اسامی عام غیرجاندار نیز می‌توانند سببی ساز باشند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که برخی مانند لطفی (۲۰۰۸: ۱۴) معتقدند اسامی بی جان نمی‌توانند به معنای واقعی کلمه در مفهوم سببی ساز نقش آفرینی کنند، اما به نظر نگارندگان شاید این گروه از اسامی نتوانند در جملات سببی مثبت نقش سببی ساز را به خوبی بازی کنند، ولی در جملات سببی منفی، این نقش را به خوبی ایفا می‌کنند؛ مانند:

۳۰- باد گذاشت که بچه بخوابد.

۳۱- باد نگذاشت که بچه بخوابد.

با حفظ خاصیت [+پویایی] سببی ساز «باد» در همتای منفی جمله (۳۰) یعنی جمله (۳۱) به خوبی می‌تواند نقش آفرینی کند؛ پس نقشه معنایی جاننداری برای سببی‌های اجازه‌ای نیز نقشه کاملی مانند مورد قبل خواهد بود. پس از بررسی سلسله مراتب جاننداری گروه اسمی سببی ساز، در ادامه جایگاه گروه اسمی سببی پذیر در سلسله مراتب حالت بررسی می‌گردد.

۲-۶: جایگاه گروه اسمی سببی پذیر در سلسله مراتب حالت^۱

نحو گروه اسمی یکی از مباحث اصلی در تحقیقات رده‌شناسی است که مطالعات زیادی روی آن صورت گرفته است. کامری در دو مقاله تأثیر گذار خود (۱۹۷۵ و ۱۹۷۶) الگوهای بین زبانی برای رفتار دستوری گروه اسمی ارائه داد. او سعی کرد برای ساخت‌های سببی، همان الگوی روابط دستوری را که کینان و کامری (۱۹۷۲، ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹) برای موصولی

۱. case hierarchy

سازی ارائه کرده بودند برای ساخت‌های سببی نیز تطبیق دهد. به نظر وی گروه اسمی سببی پذیر در ساخت‌های سببی ساختوازی از الگوی زیر تبعیت می‌کند:

سلسله مراتب حالت

فاعل < مفعول مستقیم < مفعول غیرمستقیم < مفعول‌های بواسطه^۱

بر اساس نظریات کامری، اگر فعل اصلی لازم باشد و یک گروه اسمی هسته داشته باشد، گروه اسمی سببی پذیر جایگاه مفعول مستقیم را اشغال می‌کند؛ زیرا در سلسله مراتب حالت جایگاه فاعل توسط گروه اسمی سببی ساز پر شده است، پس جایگاه خالی بعدی مفعول مستقیم است که توسط گروه اسمی سببی پذیر پر می‌شود. اگر فعل اصلی متعدی باشد گروه اسمی سببی پذیر جایگاه مفعول غیرمستقیم را پر می‌کند. اگر فعل اصلی دو مفعولی باشد در روابط دستوری و در سلسله مراتب حالت، گروه اسمی سببی پذیر در پائین‌ترین جایگاه، یعنی مفعول به واسطه قرار می‌گیرد.

کامری (۱۹۷۵ و ۱۹۷۶) بر این عقیده است که گروه اسمی سببی پذیر معمولاً در سلسله مراتب حالت بالاترین محل خالی را به خود اختصاص می‌دهد و این موضوع در زبان ترکی کاملاً صدق می‌کند؛ اما به گفته سونگ (۲۰۰۱: ۲۶۵) همه زبان‌ها بدین شکل و مطابق نظریه سلسله مراتب حالت عمل نمی‌کنند و رفتارهای متفاوتی دارند؛ به طور مثال در زبان فنلاندی، گروه اسمی سببی پذیر موضع پایین‌تر از آنچه را که توسط سلسله مراتب حالت پیش بینی می‌شود اشغال می‌کند؛ کامری این انحراف را «تنزل رتبه گسترده»^۲ معرفی کرده است. از آنجا که کامری این سلسله مراتب را برای ساخت‌های سببی ساختوازی ارائه داده است (سونگ، ۲۰۰۱: ۲۶۱)؛ در این بخش چگونگی پیروی ساخت‌های سببی ساختوازی زبان فارسی از این سلسله مراتب بررسی می‌شود.

۱. oblique

۲. extended demotion

بر اساس دسته بندی انواع سببی با رویکرد ساختواژه بنیاد، در ساخت‌های سببی ساختوازی در جملات معلوم و در جملاتی که جای فاعل با مفعول مستقیم یا جای مفعول مستقیم با مفعول غیر مستقیم به دلایل کاربرد شناختی عوض نشود، جایگاه گروه اسمی سببی پذیر در سلسله مراتب حالت قابل پیش بینی است. به عنوان نمونه در جمله (۳۲) گروه اسمی سببی پذیر نقش مفعول مستقیم دارد که در سلسله مراتب حالت اولین جایگاه خالی پس از اشغال فاعل توسط گروه اسمی سببی ساز است. اما در جمله (۳۳) به خاطر اینکه تأکید بر سببی پذیر (کودک) است، عمل برعکس «تنزل رتبه گسترده»، که توسط کامری (۱۹۷۶) مطرح شده، صورت گرفته است و «صعود رتبه» رخ داده است؛ زیرا گروه اسمی سببی پذیر از جایگاه خود به دلایل کاربرد شناختی صعود کرده است.

۳۲- مادر کودک را خواباند.

۳۳- کودک را مادر خواباند.

مثال‌های بالا مربوط به ساخت‌های سببی فعل‌های لازم بود. در ساخت سببی افعال متعدی نیز وضع بر همین منوال است:

۳۴- مریم لباس را به کودک پوشاند.

در (۳۴) گروه اسمی سببی پذیر (کودک) در جایگاه مفعول غیر مستقیم است، زیرا در سلسله مراتب حالت جایگاه فاعل و مفعول مستقیم به ترتیب توسط «مریم» و «لباس» پر شده است؛ بنابراین جایگاه خالی بعدی توسط سببی پذیر پر می‌شود. اما جمله (۳۴) را می‌توان به صورت‌های (۳۵-۳۸) نیز بیان کرد:

۳۵- به کودک مریم لباس را پوشاند.

۳۶- مریم به کودک لباس را پوشاند.

۳۷- لباس را مریم به کودک پوشاند.

۳۸- لباس را به کودک مریم پوشاند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس این که تأکید گوینده بر کدام یک از گروه‌های اسمی است، جایگاه گروه اسمی سببی پذیر انعطاف پذیر است و نمی‌توان گفت که در همه

موارد در سلسله مراتب حالت جایگاه ثابتی دارد. می‌توان گفت این جایگاه منعطف در ساخت‌های سببی ساختوازی، خود نتیجه انعطاف‌پذیری آرایش واژگانی زبان فارسی است.

۶-۳: تصویر گونگی در رابطه بین گروه اسمی سببی ساز و گروه اسمی سببی پذیر

همان‌گونه که در بخش (۳) اشاره شد، انواع سببی‌ها بر اساس مشارکین در رویداد سببی (سببی ساز و سببی پذیر) به دو گروه تأثیری^۱ و امری^۲ تقسیم می‌شوند. در نوع تأثیری، سببی ساز معمولاً به طور فیزیکی بر سببی پذیر اثر می‌گذارد که خود به دو صورت است: یا به صورت مستقیم؛ مانند:

۳۹- بچه شیشه را شکست.

یا به واسطه ابزار یا عمل دیگر که به صورت غیرمستقیم می‌شود؛ مانند:

۴۰- بچه شیشه را با سنگ شکست.

البته کامری (۱۹۸۹: ۱۷۳) این نکته را نیز متذکر می‌شود که تمایز بین سببی‌های مستقیم و غیرمستقیم درجاتی از یک پیوستار است و مشکل است مثال‌هایی آورده شود که آشکارا سببی مستقیم یا فقط سببی غیرمستقیم باشد.

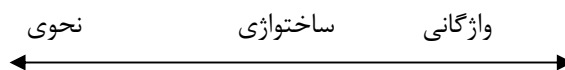
در نوع امری، سببی ساز به طور فیزیکی بر سببی پذیر تأثیر ندارد، بلکه از طریق ابزار کلامی یا اجتماعی بر سببی پذیر تأثیر می‌گذارد تا عمل خواسته شده را انجام دهد؛ مانند:

۴۱- پزشک با راهنمایی‌های به موقع خود، بیمار را از خطر رهانید.

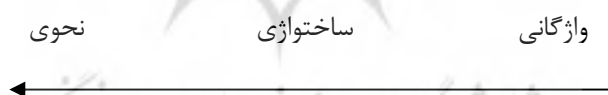
گروه اسمی سببی ساز در نوع تأثیری می‌تواند جاندار یا بی‌جان باشد، یعنی در سلسله مراتب جاندار از نقشه معنایی گسترده‌ای برخوردار باشد؛ اما در نوع امری باید جاندار و ترجیحاً انسان باشد؛ یعنی در نقشه معنایی جاندار، اسامی غیرجاندار را در بر نمی‌گیرد. حال اگر بر اساس نظر سونگ (۲۰۰۱: ۲۷۸) پیوستاری از انواع سببی‌ها داشته باشیم:

۱. manipulative

۲. directive



هرچه در پیوستار به سمت راست برویم تمایل به سمت سببی‌های تأثیری و مستقیم است و هرچه به طرف چپ برویم تمایل بیشتر به سمت سببی‌های غیرمستقیم و امری است. با در نظر گرفتن انواع سببی‌ها از نظر رابطه سببی ساز و سببی پذیر، تصویر گونگی در رابطه این دو گروه اسمی بررسی می‌شود. تصویر گونگی و انگیزه آن معمولاً برای رده‌شناسان از جمله کرفت (۱۹۹۵: ۱۲۹) و هایمن (۱۹۸۵) حائز اهمیت بوده است؛ به عقیده آنها باید ساختار زبان تا جایی که ممکن است، تجربیاتی را که به وسیله زبان بیان می‌شود، منعکس کند یا به بیان دیگر فاصله دستوری باید آینه فاصله مفهومی باشد. در مورد ساخت‌های سببی، نظر هایمن (۱۹۸۵: ۱۱-۱۰۸) این است که فاصله زبانی بین گزاره سبب یا علت و گزاره نتیجه، به صورت تصویرگونه نمایانگر فاصله مفهومی بین رویداد سببی و رویداد نتیجه و همچنین بین سببی ساز و سببی پذیر است. بر اساس مطالعات انجام شده توسط وی (همان) در پیوستار انواع سببی‌ها، هرچه از سمت راست به چپ برویم، فاصله زبانی بین سببی ساز و سببی پذیر بیشتر شده و در نتیجه فاصله مفهومی نیز بین این دو گروه اسمی بیشتر می‌شود.



در ساخت‌های سببی زبان فارسی نیز تصویر گونگی در رابطه بین سببی ساز و سببی پذیر قابل مشاهده است؛ به ور مثال در «بچه شیشه را شکست» که جزء سببی‌های واژگانی است، سببی ساز و سببی پذیر بدون هیچ فاصله زبانی در کنار هم قرار گرفته‌اند که تصویرساز مفهوم سببی تأثیری مستقیم است و سببی ساز بدون هیچ واسطه‌ای بر سببی پذیر تأثیر گذاشته است. در ساخت‌های سببی ساختوازی نیز می‌توان گفت به نوعی این تصویر گونگی نمایان است. اما بر خلاف آنچه که هایمن (۱۹۸۵) مطرح کرده که در سببی‌های نحوی فاصله بین سببی ساز

و سببی پذیر بیشتر است، در برخی موارد در سببی‌های نحوی این فاصله بسیار کم و در حد فاصله بین سببی ساز و سببی پذیر در ساخت‌های سببی واژگانی است؛ مانند:

۴۲. مادر رضا را به خوردن غذا وادار کرد.

فاصله زبانی بین گروه اسمی سببی ساز (مادر) و گروه اسمی سببی پذیر (رضا) بسیار نزدیک است؛ اما اگر همین جمله به صورت «مادر باعث شد رضا غذا بخورد» گفته شود یک رابطه تصویر گونه بین فاصله زبانی سببی ساز و سببی پذیر و فاصله مفهومی آنها وجود دارد. پس می‌توان از این بحث این برداشت را داشت که همیشه در ساخت‌های سببی زبان فارسی فاصله زبانی و فاصله مفهومی بین سببی ساز و سببی پذیر، تصویرگونه نیست.

۷- نتیجه گیری

این مطالعه، با رویکردی رده شناختی به بررسی انواع ساخت‌های سببی در زبان فارسی از دو جنبه رویداد سببی و مشارکین در این رویداد (سببی ساز و سببی پذیر) پرداخته است. علاوه بر آنچه که محققین پیشین در مورد ساخت‌های سببی در این زبان دریافته‌اند، یافته‌های این پژوهش را می‌توان در بندهای زیر خلاصه کرد:

۱- براساس رویکرد سنتی ساختواژه بنیاد و همچنین رویکرد جهانی سونگ (۱۹۹۶ و ۲۰۰۱) ساخت‌های سببی زبان فارسی بررسی گردید و علاوه بر جمع بندی مطالعات پیشین، همپوشی‌ها و همچنین تمایزات نام گذاری سببی‌ها در رویکردهای خرد با رویکردهای کلان جهانی مورد توجه قرار گرفت.

۲- نقشه معنایی جاننداری برای گروه اسمی سببی ساز در زبان فارسی، بر اساس سلسله مراتب جاننداری ترسیم شد و مشخص گردید که سببی ساز از تمام فضای مفهومی این سلسله مراتب استفاده می‌کند.

۳- گروه اسمی سببی پذیر در سلسله مراتب حالت در ساخت‌های سببی ساختوازی، همیشه جایگاه ثابتی ندارد و گاهی اوقات از جایگاه انعطاف‌پذیری برخوردار است.

۴- فاصله زبانی بین گروه اسمی سببی ساز و سببی پذیر، معمولاً در ساخت‌های سببی واژگانی بیانگر فاصله مفهومی بین آنهاست و در نتیجه تصویر گونه است، اما گاهی اوقات در ساخت‌های سببی نحوی، این فاصله زبانی تصویرگونه نیست.

۵- یک نوع ساخت سببی نحوی با استفاده از فعل «دادن» که در زبان روزمره کاربرد فراوانی دارد، اما در مطالعات قبلی معمولاً به آن پرداخته نشده، مانند (دادم خشکشویی لباسمو بشوره) مورد بررسی قرار گرفت و همان طور که توضیح داده شد، ممکن است این نوع ساخت، نتیجه تماس زبانی بین زبان فارسی و زبان‌های دیگر مانند انگلیسی و فرانسوی باشد.

کتابنامه

انوری، حسن و حسن احمدی گیوی. (۱۳۷۳). دستور زبان فارسی ۲. تهران: انتشارات فاطمی. آهانگر، عباسعلی. (۱۳۸۷). «تحلیل پوسته‌ای گروه فعلی در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه گرا». زبان و زبان‌شناسی، ش ۷: ۱-۲.

دبیر مقدم، محمد. (۱۳۶۷). «ساخت سببی در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. س ۵، ش ۱۱: ۳۱-۴۶. شریعت، محمد جواد. (۱۳۶۴). دستور زبان فارسی. تهران: اساطیر.

فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۳). فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی. تهران: سروش.

گلفام، ارسلان و سحر بهرامی خورشید. (۱۳۸۶). «نگاهی شناختی به مفهوم سببیت در زبان فارسی». پژوهشنامه علوم انسانی، ش ۵۵: ۳۷-۶۲.

منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۴). «ساخت سببی زبان فارسی بر اساس طرح پوسته فعلی». زبان و زبان‌شناسی. ش ۱: ۹۱-۱۱۴.

Comrie, B. (۱۹۷۵). Causatives and Universal Grammar. *Transactions of the philosophical Society*. ۱-۳۲.

Comrie, B. (۱۹۷۶). The Syntax of Causative Constructive: Cross Language Similarities and Divergences'. in M. Shibatani (ed.)

Comrie, B. (۱۹۸۹). *Language Universals and Linguistic Typology*. ۲nd edition. Oxford: Basil Blackwell Ltd.

- Croft, W. (۱۹۹۵). Modern Syntactic Typology, In *Approaches to Language Typology*. M. Shibatani and T. Bynon (eds).
- Croft, W. (۲۰۰۳). *Typology and Universals*. ۲nd ed. Cambridge: Cambridge University Press.
- Golfam, A & Bahrami- Khorshid, S. (۲۰۰۹). Causation as a Mental Process. *Pazhuhesh zabanha – ye khareji* (۴۹): ۱۲۵-۱۳۹.
- Haiman, J. (۱۹۸۵). *Natural Syntax: Iconicity and Erosion*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Keifer, F. (۱۹۷۳). *Trends in Soviet Theoretical Linguistics* (ed.). Dordrecht: D. Reidel.
- Kemmer, S & Verhagen, A. (۱۹۹۴). The grammar of causatives and the conceptual structure of events, *cognitive Linguistics* (۵): ۱۱۵-۵۶.
- Langacker, R. W. (۱۹۹۱). *Foundations of Cognitive Grammar* (vol.۲). Stanford: Stanford University Press.
- Lee, D.(۲۰۰۱). *Cognitive Linguistics: An Introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Lotfi, A. R. (۲۰۰۸). Causative Constructions in Modern Persian. *California Linguistic Notes*. ۳۳(۲): ۱-۲۳
- Nedjalkov, V. P & G. G. Silnitsky. (۱۹۷۳). The Typology of Morphological and Lexical Causatives. In F. Kiefer (ed.).
- Shibatani, M. (۲۰۰۲). *The Grammar of Causation and Interpersonal Manipulation*. Philadelphia: John Benjamins.
- Shibatani, M & T. Bynon. (۱۹۹۵). *Approaches to Language Typology* (ed.). Oxford: Clarendon Press.
- Song, J. J. (۱۹۹۶). *Causatives and Causation: A Universal- Typological Perspective*. London: Addison Wesley Longman.
- Song, J.J. (۲۰۰۱). *Linguistic Typology: Morphology and Syntax*. Harlow Pearson Education Limited.